



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چند مسئله از وقف باقیمانده که به عرضتان خواهیم رساند، امام رضوان الله علیه در تحریر الوسيلة اینطور می فرماید: «مسألة ۷۷ - لو آجر الوقف البطن الأول وانقضوا قبل انقضاء مدة الإجارة بطلت بالنسبة إلى بقية المدة إلا أن يجيز البطن اللاحق فتصح على الأقوى، ولو آجرة المتولي فإن لاحظ فيه مصلحة الوقف صحت ونفذت بالنسبة إلى البطلون اللاحقة، بل الأقوى نفوذها (اجاره) بالنسبة إليهم (بطن دوم) لو كانت لأجل مراعاتهم دون أصل الوقف، ولا تحتاج إلى إجازتهم (زیرا متولی امرش نافذ است و نیاز به اجازه کسی ندارد)»^۱.

در بحث اجاره داریم که اگر کسی مالی را اجاره داد و قبل از انقضاء مدت فوت کرد اجاره باطل نمی شود زیرا اجاره نقل منفعت است یعنی موجر مالک عین است ولی آن را به عنوان اجاره به مستأجر تحویل داده تا از منافع آن استفاده کند مثلاً خانه را داده تا در آن سکونت کند، خب و اما حالا اگر مستأجر قبل از انقضاء مدت اجاره فوت کند نیز عقد اجاره باطل نمی شود بلکه ورثه مستأجر حق دارند از باقیمانده اجاره استفاده کنند بنابراین در غیر از وقف فوت کردن موجر یا مستأجر در اثناء مدت اجاره باعث بطلان اجاره نمی شود و علتش هم این است که مالک بوده و اختیار مال خودش را داشته و اختیارش نیز محدود به حال حیاتش نبوده، اما در باب وقف واقف مالش را وقف کرده برای بطناً بعد بطن و نسلماً بعد نسل یعنی فقط برای موقوف علیهم فعلی که حاضرند نیست لذا اگر بطن اول قبل از انقضاء مدت اجاره فوت کنند باقیمانده ی اجاره باطل است مگر اینکه بطن لاحق آن را اجازه

بدهند، در واقع اگر امام رضوان الله علیه می فرمودند با مرگ بطن اول اجاره متزلزل می شود و صحت تأهلیه دارد تا اجازه بطن لاحق به آن ضمیمه شود و صحت فعلیه پیدا کند بهتر بود نه اینکه بگوئیم اجاره باطل می شود.

مسئله بعدی این است که: «مسألة ۹۶ - لو كان كتاب أو مصحف أو غيرهما بيد شخص وهو يدعي ملكيته وكان مكتوباً عليه أنه وقف لم يحكم بوقفه بمجردة، فيجوز الشراء منه (زیرا ما تابع دلیل هستیم و بر اساس ضوابط و قوانین شرعی معامله کرده ایم، کتاب در دست شخص است و ید اماره بر مالکیت می باشد لذا احکام مالکیت بر او مترتب است و ما نیز از او خریده ایم پس معامله ما صحیح است و صرف وجود مهر ثابت نمی کند که وقف می باشد)، نعم الظاهر أن وجود مثل ذلك عيب ونقص في العين، فلو خفي على المشتري حال البيع كان له الخيار (می تواند معامله را بهم بزند یا ارش بگیرد)»^۲.

مسئله بعد: «مسألة ۹۷ - لو ظهر في تركة الميت ورقة بخطه أن ملكه الفلاني وقف وأنه وقع القبض والاقباض لم يحكم بوقفه بمجردة (زیرا ما نمی دانیم وقتی این را نوشته در حالت عادی بوده یا نه و یا اینکه نوشته مثلاً خطش خوب شود یا نه و یا مثلاً می نوشته تا اینکه بعداً آن را عملی کند اما قبلش فوت کرده) ما لم يحصل العلم أو الاطمئنان به، لاحتمال أنه كتب ليجمعه وقف كما يتفق ذلك كثيراً»^۳.

بقیه بحث بماند برای بعد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

^۱ تحریر الوسيلة، امام خمینی، ج ۲، ص ۸۶.

^۲ تحریر الوسيلة، امام خمینی، ج ۲، ص ۸۶.

^۱ تحریر الوسيلة، امام خمینی، ج ۲، ص ۸۲.